

توصیف برخی هنجارهای زبانی مترجمان ادبی ایران از آغاز مشروطه تا کنون

محبوبه نورا (دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

علی خزاعی فرید (دانشیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

khazaee@yaho.com

DOI: 10.5114.78136/1022067

چکیده

اگرچه ترجمه بالنفسه دارای ماهیت تاریخی است، پژوهش درباره جنبه‌های تاریخی آن یا به عبارتی «تاریخ‌نگاری» ترجمه بحثی نسبتاً جدید است و تاکنون در این زمینه نسبت به دیگر حوزه‌های پژوهشی ترجمه کار چندانی صورت نگرفته است تا حدی که می‌توان گفت وضعیت تاریخ ترجمه قابل قیاس با تاریخ‌نگاری در سایر رشته‌ها نیست. این پژوهش، در چارچوب مطالعات توصیفی ترجمه یعنی نظریه توری در مورد هنجارها و قوانین ترجمه، اون‌زهر در باب رپرتوای فرهنگی و مطالعات پیکره‌ای در ترجمه انجام شده است. هدف این پژوهش توصیف هنجارهای زبانی سه نسل از مترجمان ادبی ایران است. در این پژوهش هفت هنجار زبانی، ترکیب قید و صفت، واژگان عربی، گرت‌برداری نحوی، تنوع قیود توصیف‌کننده افعال ناقل، تنوع فعل ناقل، نقطه‌ویرگول و خط تیره در سه پیکره از سه نسل مترجم ادبی پس از مشروطه انتخاب و بررسی شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که با گذشت زمان، بسامد ترکیب قید و صفت، واژگان عربی، قیود توصیف‌کننده افعال ناقل، افعال ناقل غیر از «گفت»، گرت‌برداری نحوی، نقطه‌ویرگول و خط تیره بیشتر شده است. یافته‌ها براساس سنت ترجمه، امکانات زبان فارسی و توانمندی‌های مترجمان سه دوره واکاوی شد.

کلیدواژه‌ها: هنجارهای زبانی، مترجمان ادبی، تاریخ‌نگاری ترجمه، مطالعات

پیکره‌ای

۱. مقدمه

در تاریخ زبان فارسی، جنبش مشروطیت یکی از عوامل مهم بیرونی تأثیرگذار بر دگرگونی زبان به‌ویژه نثر فارسی است. با جنبش مشروطیت ما وارد دوره تازه‌ای می‌شویم که دگرگونی زبان را نیز ناگزیر می‌کند. در این دوره مخاطب ادبیات عامه مردم می‌شود؛ ارزش‌ها و افکار جدید پدید می‌آید و در نتیجه زبان به سادگی می‌گراید و نهضت ساده‌نویسی آغاز می‌گردد؛ نثر معاصر فارسی به تدریج متحول می‌گردد؛ برخی ترجمه را منبع عمده سادگی نثر و نزدیکی آن به زبان گفتار می‌دانند و برخی دیگر تعاملی معتدل با سنت و تجدد را. در این راستا، آزادی بوگر (۲۰۱۰) سه سناریو ترسیم نموده است:

در سناریوی نخست، نثر مدرن فارسی کاملاً از طریق ترجمه به وجود آمد و ساده شد. این امر به این دلیل صورت گرفت که در نوشتن نثر ترجمه هنجارهایی از پیش وجود نداشت. کافی بود مترجمان زبانی جدید خلق کنند، واژگانی نو ابداع کنند و حسب ذوق و درک خود معادل‌هایی به‌دلخواه برای مفاهیم وارداتی پیدا کنند. در این سناریو، ترجمه عاملی است که فارسی مدرن را می‌سازد و در این کار به اقتدار و مرجعیت زبان فارسی که زبان ارتباطی تثبیت شده در جامعه است اعتنایی نمی‌کند و برای مفاهیمی که در جامعه وجود ندارد زبانی نو خلق می‌کند.

در سناریوی دوم، ترجمه نثر مدرن فارسی را می‌سازد اما برای این کار از زبان متداول گفتار استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، ترجمه باعث می‌شود زبان گفتار به زبان نوشتار راه پیدا کند. بر طبق این سناریو، گفتمانی جدید می‌تواند در فرهنگی دیگر و با استفاده از ابزار همان فرهنگ غالب شود بی‌آنکه بین این دو زبان لزوماً اشتراکات مفهومی وجود داشته باشد. در اینجا ترجمه حکم کاتالیزور دارد و فضایی را به وجود می‌آورد که در آن زبان گفتار در ترکیب با زبان کلاسیک بسط می‌یابد تا بتواند گفتمان‌های وارداتی را تصاحب کند. بنابراین، ترجمه با واردکردن زبان گفتار به زبان نوشتار، زبان مکتوب را متحول کرد ولی زبانی کاملاً جدید به وجود نیاورد.

می‌توان با ترکیب این دو سناریو، سناریوی سومی را متصور شد. در این سناریو، زبان تا حدی مقاومت می‌کند و تا حدی مصالحه. به عبارت دیگر، زبان هم از گفتمان‌های وارداتی تأثیر می‌پذیرد و هم سعی بر حفظ اصالت خود دارد و در نتیجه ماهیتی دوگانه می‌یابد. اگر بپذیریم که نثر مدرن فارسی تحت تأثیر ترجمه به وجود آمده، سناریوی نخست در مورد بخشی از زبان که تحت تأثیر ترجمه تحول پیدا کرده صادق است. در این صورت می‌توانیم بگوییم که هیچ هنجار زبانی وجود نداشت که در مقابل ترجمه مقاومت کند و لذا فارسی خود را به زبان مبدأ تسلیم کرد ولی حقیقت این است که همه هنجارهای زبان مقصد، کاملاً خود را تسلیم نکردند زیرا سنت و ابداعات بومی (بالایی ۲۰۰۶، ص. ۳۹؛ احمدزاده ۲۰۰۳، ص. ۷۷) در برابر تحول مقاومت نشان دادند.

۱.۱. هدف پژوهش

این پژوهش مبتنی است بر تقسیم‌بندی پیشنهادی و سه‌گانه خزاعی‌فر از مترجمان ادبی ایران از عصر مشروطه تا حال حاضر (شرح در بخش روش تحقیق). بنابراین تقسیم‌بندی، سه نسل از مترجمان ادبی وجود دارند که از حیث هنجارهای زبانی تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر پیدا می‌کنند. هدف این پژوهش توصیف هنجارهای زبانی این سه نسل مترجمان ادبی ایران می‌باشد.

۱.۲. مبانی نظری تحقیق

این پژوهش، در چارچوب مطالعات توصیفی ترجمه یعنی نظریه توری در مورد هنجارها و قوانین ترجمه، اون‌زهر در باب رپرتوای فرهنگی و مطالعات پیکره‌ای در ترجمه انجام می‌شود.

۱.۳. سؤال‌های پژوهش

۱. مترجمان نسل اول به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی گرایش داشته‌اند یا زبان مبدأ؟

۲. مترجمان نسل دوم به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی گرایش داشته‌اند یا زبان مبدأ؟

۳. مترجمان نسل سوم به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی گرایش داشته‌اند یا زبان مبدأ؟

۱. ۴. فرضیه‌های پژوهش

۱. مترجمان نسل اول به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی گرایش دارند.

۲. مترجمان نسل دوم به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی و نیز استفاده گاه و بیگاه از امکانات بالفعل زبان مبدأ گرایش دارند.

۳. مترجمان نسل سوم به استفاده از امکانات بالفعل زبان مبدأ گرایش دارند.

۲. پیشینه پژوهش

به‌رغم اهمیت افعال ناقل در ترجمه، تاکنون پژوهش‌چندانی در این مورد انجام نشده است. نورا (۱۳۸۹) تأثیر ترجمه را بر تنوع افعال ناقل در متون روایی زبان فارسی واکاوی کرد. یافته‌های این پژوهش که بر متون تألیفی و ترجمه‌ای معاصر فارسی متمرکز بود نشان داد که تنوع بالای فعل ناقل در انگلیسی و گرایش مترجمان ادبی ایران به لفظ‌گرایی موجب افزایش تنوع افعال ناقل در متون ادبی معاصر فارسی شده است. در پژوهشی مشابه، بهزادی، خزاعی‌فر و خوش‌سلیقه (۱۳۹۴) بسامد نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم را در رمان‌های قدیم و رمان‌های جدید فارسی بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که بسامد نقل قول مستقیم در هر دو نوع داستان بیشتر از نقل قول غیرمستقیم بوده و بر اثر ترجمه رفته رفته بر شمار نقل قول‌های غیرمستقیم در رمان‌های جدید فارسی افزوده شده است. هر دو پژوهش گفته‌شده نشان می‌دهند که ترجمه یکی از عوامل مؤثر در تغییر شیوه به‌کارگیری نقل قول‌ها در متون ادبی تألیفی فارسی بوده است.

در این بین، برخی پژوهشگران به چالش‌های برگردان افعال ناقل پرداخته‌اند. بیکر (۲۰۰۰) با مقابله سبک‌شناختی ترجمه‌های پیتربوش و پیتربوش و پیتربوش مترجمان انگلیسی پی برد که تفاوتی ده درصدی در بسامد افعال ناقل در ترجمه‌های این دو مترجم بوده که بیکر این تفاوت را به تأثیرات زبان اصلی و سبک خاص دو مترجم نسبت داده است. علاوه بر این، مالینوف (۲۰۱۰) با تحلیل مشخصه‌های سبکی ترجمه سپیدندان/جک لندن به زبان چکی پی برد که مترجم در برگردان فعل ناقل «گفت» به زبان مقصد به ظرافت‌های معنایی متن اصلی چندان پایبند نبوده و با پیروی از سبک فردی خود فقط افعالی را که نشانگر ایما و اشاره بوده‌اند به زبان مقصد منتقل کرده است. این مطالعات در مجموع نشان می‌دهند که ترجمه افعال ناقل از طرفی تابع ساختار متن اصلی و از طرف دیگر تابع سبک فردی مترجم است. نوآوری پژوهش جاری این است که در آن هنجارهای کاربرد افعال ناقل در بیکرهای نسبتاً بزرگ از ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی ایرانی بررسی و توصیف می‌شود.

در مورد کاربرد واژگان عربی در متون تألیفی و ترجمه‌های فارسی نیز بسیار سخن گفته شده است. برای نمونه، مطالعه امینی و نیازی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که دامنه معنایی بسیاری از واژگان عربی دگرگون شده به نحوی که واژگان عربی اکنون با معانی متفاوت از معانی عربی به کار می‌روند. به گفته این دو پژوهشگر، تحول معنایی واژگان عربی ترجمه به این زبان را دشوار کرده اما موجب گسترش کاربرد واژگان عربی در ترجمه‌های فارسی شده است. در مطالعه‌ای مشابه، رضایی و رحیمی (۱۳۹۲) با مقابله متون مطبوعاتی سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ ایران و مقایسه آن با مطبوعات فارسی یک دهه اخیر پی بردند که طیف وسیعی از واژگان عربی که در سال‌های دور به مطبوعات فارسی راه یافته بودند به مرور زمان مهجور شده‌اند. به گفته این دو محقق، رویدادهای فرهنگی و اجتماعی، تغییر ذائقه زبانی خوانندگان و تغییر تابلوهای فرهنگی از عوامل مهجورشدگی واژگان عربی مورد بحث در فارسی بوده‌اند.

برخی از پژوهش‌های مربوط به علائم نگارشی به نقش دستوری و معنایی علائم نگارشی پرداخته است. برخی از پژوهش‌ها به نقش علائم نگارشی در ترجمه پرداخته‌اند. صلح‌جو پس از بحث تفصیلی در مورد نشانه‌های نگارشی چنین نتیجه گرفته است که گرچه کم‌بودن نشانه‌ها خوانش متن را دشوار می‌کند اما زیاده‌روی در کاربرد نشانه‌ها هم گاهی به گیج‌شدن و ناخوانا شدن نوشته منجر می‌شود. به گمان وی، زیاده‌روی در نشانه‌گذاری از تأثیر نشانه‌ها کم می‌کند و هنجار کنونی در میان نویسندگان سراسر دنیا این است که تا می‌توانند منظور خود را با کمترین نشانه‌ها بیان کنند (صلح‌جو، ۱۳۹۳).

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر پژوهشی کتابخانه‌ای است که به توصیف هنجارهای زبانی مترجمان ادبی ایران از آغاز نهضت مشروطه تا حال حاضر می‌پردازد. ماهیت پرسش‌ها و هدف پژوهش حاضر ما را ملزم به انتخاب روش تحقیق ترکیبی (کیفی و کمی) می‌کند تا روایتی توصیفی-تحلیلی-تاریخی به دست آوریم.

۳.۱. روش نمونه‌گیری

با توجه به اینکه بازه زمانی این پژوهش نسبتاً گسترده است و ادبیات فارسی به جهت تألیف و ترجمه ادبیات داستانی در این بازه هم از لحاظ کیفی هم از لحاظ کمی رشد فزاینده‌ای داشته است بررسی تمام متون در تحقیق حاضر ناشدنی است؛ از طرف دیگر چون تحقیق حاضر قصد دارد سیر تحول و تصور نثر ترجمه را به صورت زمانی و تاریخی ترسیم نماید ناگزیر متون به صورت غیرتصادفی انتخاب شده‌اند؛ معیار این انتخاب غیر تصادفی ارزیابی ادبا و محققان ادبیات فارسی و ترجمه‌شناسان نسبت به آثار مؤثر در تحول نثر معاصر فارسی می‌باشد. با مطالعه آثار که در باب نثر مترجمان بزرگ نگاشته‌اند و نمونه‌های برجسته را ذکر نموده‌اند ما نیز بر آن شدیم تا پیکره تحقیق حاضر را محدود به همین آثار کنیم.

در گام بعد، ویژگی‌های زبانی مورد تحقیق مشخص گردید. بدین منظور، سبک‌شناسی زبانی^۱ لیچ و شرت (۲۰۰۷) چارچوب روش تحقیق این مقاله است. به زعم این دو محقق، تحلیل سبکی بسیار ماهیت‌گزینشی دارد و دو عامل در تعیین اهمیت سبکی یک ویژگی مهم هستند: عامل ادبی و عامل زبانی. لیچ و شرت این ویژگی‌ها را نشانگرهای سبکی^۲ می‌نامند و آن‌ها را در چهار مقوله تقسیم‌بندی می‌کنند: مقوله واژگانی^۳؛ مقوله دستوری^۴؛ مقوله صنایع لفظی^۵؛ و مقوله بافت و انسجام^۶ (۲۰۰۷، ص. ۶۱-۶۴). براساس این دسته‌بندی، متغیرهای واژگان عربی، قیود توصیف‌کننده و فعل ناقل در مقوله واژگانی قرار می‌گیرند؛ متغیرهای گره‌برداری نحوی و ترکیب قید و صفت در مقوله دستوری جای می‌گیرند و متغیرهای نقطه‌ویرگول و خط تیره در ذیل مقوله بافت و انسجام بررسی می‌شوند.

از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های زبانی ترجمه‌ها است منابع تحقیق ما نیز متون ترجمه‌ای می‌باشند. در تاریخ معاصر ترجمه ایران، سه نسل مترجم وجود دارد که هریک هنجارهای زبانی متفاوتی دارند. مترجمان نسل اول همان مترجمان برجسته دوره قاجار می‌باشند؛ مترجمان نسل دوم مربوط به دوره پهلوی تا ۱۳۶۰ می‌باشند؛ مترجمان نسل سوم نیز متعلق به دهه ۱۳۶۰ تاکنون می‌باشند. از این‌رو در تحقیق حاضر سه پیکره تشکیل داده‌ایم: پیکره مترجمان نسل اول (پیکره ۱)؛ پیکره مترجمان نسل دوم (پیکره ۲)؛ پیکره مترجمان نسل سوم (پیکره ۳). هریک از پیکره‌ها شامل پانزده مترجم یا به عبارتی پانزده اثر از پانزده مترجم می‌باشد. از هر یک از کتاب‌ها ۳۰ صفحه از ابتدای اثر بررسی شد.

-
1. Linguistic stylistics
 2. Style markers
 3. Lexical category
 4. Grammatical category
 5. Figures of speech
 6. The context and the cohesion

پیکره ۱

تیره بختان ترجمه یوسف اعتصام الملک، سه تفنگدار ترجمه محمد طاهر میرزا، ژیل بلاس ترجمه محمد خان کرمانشاهی، حاجی بابای اصفهانی ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، میشل استروگف ترجمه اوانس خان، شرح حال خاطرات مادمازل ترجمه محمد حسن خان اعتماد السلطنه، هانری سوم ترجمه سردار اسعد بختیاری، سرگذشت گراپرل ترجمه منوچهر بن عمادالدوله، تلماک ترجمه ناظم العلوم، کنت مونت کریستو ترجمه خلیل خان ثقفی، پسر پارادایان ترجمه میرزا حبیب عین الملک، ترجمه حیات فوبلاس ترجمه علی بخش میرزا، بوسه عذرا ترجمه سید حسین شیرازی، سفر هشتاد روزه دور دنیا ترجمه میرزا حسین خان ذکاء الملک، هانری چهارم ترجمه محمد امین دفتر

پیکره ۲

دن کیشوت ترجمه محمد قاضی، بازمانده روز ترجمه نجف دریابندری، طاعون ترجمه رضا سید حسینی، جنگ و صلح ترجمه سروش حبیبی، خانواده تیبو ترجمه ابوالحسن نجفی، آرزوهای بزرگ ترجمه ابراهیم یونسی، اوژنی گراند ترجمه عبدالله توکل، مرگ در آند ترجمه عبدالله کوثری، ربه کا ترجمه پرویز شهباز، برق نقره ای ترجمه کریم امامی، موبی دیک ترجمه پرویز داریوش، صدسال تنهایی ترجمه بهمن فرزانه، زمان بازیافته ترجمه مهدی سبحانی، شوهر دلخواه ترجمه مهدی غبرایی، برادران کارامازوف ترجمه صالح حسینی

پیکره ۳

نماد گمشده ترجمه شبلم سعادت، اما ترجمه رضا رضایی، داستان های شرلوک هولمز (دره وحشت) ترجمه مزده دقیقی، ظلمت در نیمروز ترجمه اسدالله امرایی، اومون را ترجمه پیمان خاکسار، تابستان آن سال ترجمه شیرین قندهاری، مون پلاس ترجمه لیلا نصیری ها، قلبی به این سپیدی ترجمه مهسا ملک مرزبان، تسوکورو تازاکی بی رنگ و سال های زیارت او ترجمه فرزین فرزام، پرنده گان می روند در پرو بمیرند

ترجمه سمیه نوروزی، صد سال تنهایی ترجمه زهره روشنفکر، عمارت معصوم ترجمه شیوا مقانلو، مرگ به پمبرلی می آید ترجمه فرناز تیمورازف، عشق تابستانی ترجمه خجسته کیهان، غول مدفون ترجمه امیرمهدی حقیقت.

هنجارهای زبانی مورد بررسی به شرح زیر می باشد:

تنوع فعل ناقل، قیود توصیف کننده فعل ناقل، ترکیب قید و صفت، واژگان عربی، گره برداری نحوی، نقطه ویرگول، خط تیره

۳.۳. تعریف متغیرها

۳.۳.۱. تنوع فعل ناقل

عبارت های نقل قولی بخش مهمی از معانی هر زبان را شکل می دهند که هنگام تحلیل متونی همچون روزنامه ها و ادبیات داستانی قابل اغماض نیستند. زبان ها از نظر کاربرد انواع مختلف فعل ناقل متفاوت اند. در انگلیسی عبارات نقل قول برای بیان گفتار یا رفتار شخص به کار می روند. فعل ناقل یا به صورت مستقیم گفتار و افکار گوینده را بیان می کند (مثلاً گفت) یا نحوه گفتن را مشخص می کند (مثلاً غریب) یا مرحله گفتار را بیان می کند (مثلاً افزود) (بایبر، کنراد و لیچ؛ ۲۰۰۲، ص. ۹۲۴). در این پژوهش موارد کاربرد فعل ناقل «گفت» و افعال ناقل غیر از «گفت» بررسی می شود. افعال ناقل گاهی با قیود توصیف کننده همچون قیود حالت، زمان، مکان و غیره می آیند و شمار این قیود توصیف کننده نیز به عنوان متغیر دیگر این تحقیق بررسی می شود.

۳.۳.۲. ترکیب قید و صفت

قیود توصیفی قیودی هستند که همراه با صفت می آیند و نقش آن ها تعدیل معنای صفات و یا افزودن جزئیاتی به معنای صفات است (هادلستون و پولوم، ۲۰۰۲، ص. ۵۸۵). برای نمونه در عبارت «جوانی بسیار نیک منظر» قید «بسیار» در نقش قید توصیفی ظاهر شده است.

۳.۳.۳. واژگان عربی

مقصود از واژگان عربی واژگانی است که ریشه عربی دارند و برای گویشوران امروز فارسی نامانوس هستند یا لاقلاً برابر نهادهای فارسی مانوس تری برای آنان در فارسی امروز وجود دارد. برای نمونه، واژه «استخلاص» که به جای آن می‌توان واژه «رهایی» را به کار برد.

۳.۳.۴. گرتة برداری نحوی

به گفته هاین و کوتوا (۲۰۰۶، ص. ۲۳) گرتة برداری نحوی «انتقال معنای واژگانی یا دستوری از زبانی به زبان دیگر است که طی آن زبان دوم ظرافت‌های صوری زبان اول را بازتاب می‌دهد». برای نمونه، «نشانی الکترونیکی» گرتة برداری نحوی از «ایمیل» در انگلیسی است.

۳.۳.۵. خط تیره

مقصود از خط تیره در این پژوهش نشانه (-) است که در جملات معترضه وسط جملات به کار می‌رود. بنابراین، دیگر موارد کاربرد نشانه گفته شده، در آغاز یا پایان سطور مورد نظر نبوده است.

۴. نتایج و بحث

۴.۱. قیود توصیف‌کننده فعل ناقل

در این پژوهش، کاربرد قیود توصیف‌کننده افعال ناقل در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی بررسی شد. نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. بسامد قیود توصیف‌کننده فعل ناقل در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره دوم	فعل ناقل به همراه قید	فعل ناقل بدون قید	آثار دوره سوم	فعل ناقل بدون قید	فعل ناقل به همراه قید	فعل ناقل بدون قید	فعل ناقل به همراه قید	آثار دوره دوم
تیره‌بختان	۲۵	۲۹	نماد گمشده	۱۱	۱۱	۳۸	۲۸	۳۸
سه تفنگدار	۱۴	۱۶	اما	۶	۴	۸	۵	۸
ژیل پلاس	۷	۹	شرلوک هولمز	۲۸	۴۸	۲۳	۲۴	۲۳
حاجی بابای اصفهانی	۱۱	۹	ظلمت در نیمروز	۹۲	۴۹	۳۵	۳۶	۳۵
میشل استرگف	۲۱	۳	اومون را	۵۴	۳۳	۱۰	۲۰	۱۰
خاطرات مادموزال	۱۰	۵	تابستان آن سال	۴۸	۲۹	۷۳	۳۴	۷۳
هانری سوم	۶۰	۱۹	مون پلاس	۲	۷	۱۱	۰	۱۱
سرگذشت گراپرل	۲۵	۸	قلبی به این سپیدی	۳۶	۳۶	۱۰	۹	۱۰
تلماک	۱۶	۶	بی‌رنگ و سال‌های زیارت او	۸۳	۳۹	۷۳	۱۰	۷۳
پسر کنت مونت کریستو	۹۶	۴۰	پرندگان می‌روند در پرو بمیرند	۲۳	۴۰	۲۸	۸	۲۸
پسر پاردایان	۲۴	۵۰	صد سال تنهایی	۱۸	۷	۲۳	۱۸	۲۳
فوبلاس	۶	۲۳	عمارت معصوم	۳۰	۱۶	۵	.	۵
بوسه عذرا	۹	۴۹	مرگ به پمبرلی می‌آید	۹	۱۸	۲	۱	۲
هانری چهارم	۴	۱۰۳	عشق تابستانی	۵۱	۱۴	۲۰	۲۱	۲۰
ژول ورن	۲۰	۸۶	غول مدفون	۲	۲۵	۱۵	۳	۱۵
میانگین دوره اول	۲۳/۲	۳۰/۳	میانگین دوره سوم	۳۲/۸۶	۲۵/۰۶	۲۴/۹	۲۸/۳	۲۴/۹

همان‌طور که در جدول ۱ می‌بینیم، میانگین بسامد افعال ناقل همراه با قید در متون دوره‌های اول تا سوم به ترتیب ۲۳/۲، ۲۵/۰۶ و ۲۸/۳ بوده است. از طرف دیگر، میانگین بسامد افعال ناقل بدون قید در متون دوره‌های اول تا سوم به ترتیب ۳۰/۳، ۳۲/۸۶ و ۲۴/۹ بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که بسامد افعال ناقل همراه با قید به‌مرور زمان فزونی یافته است. این نتایج مؤید نتایج پژوهش نورا (۱۳۸۹) است که نشان داده بود شمار افعال ناقل همراه با قید در متون ادبی تألیفی و ترجمه‌ای پس از مشروطه بسیار بیشتر از متون مشابه قبل از مشروطه بوده است. این پژوهشگر یکی از علل احتمالی این افزایش را ورود افعال ناقل همراه با قید بر اثر ترجمه دانسته بود. نمونه‌هایی از قیود توصیف‌کننده افعال ناقل در ترجمه‌های سه دوره در ادامه آمده است:

پیکره نخست

منتر متبسمانه جواب داد من بخیال آن نیستم که ترا از خطای خود سرزنش کنم
(تلماک، ص. ۲۵).

سپس به اگراهی هرچه تمامتر گفت خیال داری این استر را بجنید بفروشی (ژیل
بلاس، ص. ۹).

با کمال احترام و ادب عرض کرد آیا امشب اعلی حضرت این چاکر را سرافراز
خواهند فرمود (هانری سوم، ص. ۴).

پیکره دوم

تته‌پته‌کنان حرفش را تمام کرد: «سروکله میمون‌ها که توی رامیلیا پیدا بشود،
می‌آیم» (شوهر دلخواه، ۱۶۸۵).

سپس هر دو بازویم را گرفت و با عبارات ترسناک زیر به سخن ادامه داد
(آرزوهای بزرگ، ص. ۲۰).

«بس کن بابا» کارنیو با صدای خفه‌اش التماس می‌کرد (مرگ در آند، ص. ۲۸).

پیکره سوم

با ادب تمام گفت: «ممنوتان هستم خانم‌ها» (غول مدفون، ص. ۴۳).
 آقای کیدر با لبخند، ملایمتی بیش از حد و نگاهی شگفت‌زده گفت: تو کاتیا؟
 (عشق تابستانی، ص. ۳۸).
 رویاشوف با لبخندی زورکی گفت: حداقل این‌بار درست تنم کردم (ظلمت در
 نیمروز، ص. ۱۶).

۴. ۲. ترکیب قید و صفت

در این پژوهش بسامد قیود توصیفی یا همان ترکیب قید و صفت در آثار
 مترجمان ادبی سه دوره بررسی شد. نتایج در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. بسامد ترکیب قید و صفت در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	بسامد ترکیب قید و صفت	آثار دوره دوم	بسامد ترکیب قید و صفت	آثار دوره سوم	بسامد ترکیب قید و صفت
تیره‌بختان	۰	دن کیشوت	۷	نماد گمشده	۵
سه تفنگدار	۰	بازمانده روز	۸	اما	۱۵
ژیل بلاس	۰	طاعون	۲۴	شرلوک هولمز	۲۲
حاجی بابای اصفهانی	۰	جنگ و صلح	۴۵	ظلمت در نیمروز	۲۲
میشل استرگف	۰	خانواده تیپو	۱۴	اومون را	۱۵
خاطرات مادموزال	۰	آرزوهای بزرگ	۸	تابستان آن سال	۲۲
هانری سوم	۰	اوژنی گراند	۱۲	مون پلاس	۲۴
سرگذشت گراپرل	۰	مرگ در آند	۱۲	قلبی به این سپیدی	۱۰
تلماک	۰	ربه‌کا	۳۱	بی‌رنگ و سال‌های زیارت او	۱۲
پسر کنت مونت کریستو	۰	برق نقره‌ای	۲۳	پرنده‌گان می‌روند در پرو بمیرند	۲۲

ادامه جدول ۲

آثار دوره نخست	بسامد ترکیب قید و صفت	آثار دوره دوم	بسامد ترکیب قید و صفت	آثار دوره سوم	بسامد ترکیب قید و صفت
پسر پاردایان	۴	موبی دیک	۱۴	صد سال تنهایی	۲۹
فوبلاس	۰	صد سال تنهایی	۴	عمارت معصوم	۱۴
بوسه عذرا	۴	زمان بازیافته	۳۲	مرگ به پمپری می آید	۱۲
هانری چهارم	۰	شوهر دلخواه	۷	عشق تابستانی	۱۷
ژول ورن	۲	برادران کارامازوف	۴	غول مدفون	۲
میانگین دوره اول	۰/۶۶	میانگین دوره دوم	۱۶/۳۳	میانگین دوره سوم	۱۶/۲۰

همان‌طور که در جدول ۲ می‌بینیم، میانگین بسامد ترکیب قید و صفت در دوره نخست کمتر از یک مورد در هر اثر بوده است در حالی که در هر یک از آثار دوره‌های دوم و سوم به‌طور میانگین ۱۶ نمونه ترکیب قید و صفت مشاهده می‌شود. این نتایج گویای آن است که ترکیب قید و صفت هنجار زبانی مترجمان دوره اول نبوده اما با گذشت زمان این هنجار احتمالاً تحت تأثیر متن اصلی به ترجمه‌های فارسی مترجمان دو نسل بعد راه یافته است. به نظر می‌رسد که این انتخاب مترجمان به امکانات زبانی فارسی افزوده است. این تحول را می‌توان مصداق همان پدیده‌ای دانست که توری «تداخل مثبت» نام نهاده است که طی آن برخی امکانات زبان مبدأ به زبان ترجمه راه می‌یابد و با واکنش مثبت و اقبال مترجمان روبه‌رو می‌شود (توری، ۱۹۹۵، ص. ۲۷۵).

نمونه‌هایی از ترکیب قید و صفت در ترجمه‌های سه دوره در پایین آمده است:

پیکره نخست

عضلات چانه بسیار منبسط شده علامت دیگری بود که این جوان از اهل کاسکون است (سه تفنگدار، ص. ۵).

این شترها حیوان بسیار آرام هستند (میشل/سترگف، ص. ۷).

واقعاً باید تو خیلی خوش طالع باشی (پسرکنت مونت کریستو، ص. ۱۱).

پیکره دوم

رنگ چهره اش کبود بود و قیافه‌ای بسیار غمگین داشت (صد سال تنهایی، ص. ۲۷).

نقص، یعنی کوتاهی لب و دهان نیمه‌باز، چنانکه همیشه در زن‌های به‌راستی جذاب صادق است (جنگ و صلح، ص. ۳۷).

قهوه‌ای رنگ و خشک و سراپا شکافته و به ظاهر شکننده بود (اوژنی گراند، ص. ۳۸).

پیکره سوم

ابریشمی، فریبنده، و به‌طرز مضحکی گران‌قیمت بود (عشق تابستانی، ص. ۱۲).
اتاق بزرگ نبود، اما تناسبش به‌طرزی فوق‌العاده رضایت‌بخش بود (مرگ به پمبرلی می‌آید، ص. ۵۲).

تیترها به شکل غریبی ترسناک بودند، با نشاط و قدرتی غیرانسانی (امون‌را، ص. ۲۲).

۴. ۳. واژگان عربی

در این پژوهش بسامد واژگان عربی در آثار مترجمان ادبی سه دوره بررسی شد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. بسامد واژگان عربی در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	بسامد واژگان عربی	آثار دوره دوم	بسامد واژگان عربی	آثار دوره سوم	بسامد واژگان عربی
تیره‌بختان	۲۳۵	دن کیشوت	۶۸	نماد گمشده	۲۹
سه تفنگدار	۵۶	بازمانده روز	۹۰	اما	۲۶
ژیل بلاس	۱۱۹	طاعون	۱۳	شرلوک هولمز	۴۰
حاجی بابای اصفهانی	۹۲	جنگ و صلح	۳۲	ظلمت در نیمروز	۱۵

ادامه جدول ۲

بسامد واژگان عربی	آثار دوره سوم	بسامد واژگان عربی	آثار دوره دوم	بسامد واژگان عربی	آثار دوره نخست
۸	اومون را	۱۰	خانواده تیبو	۵۴	میشل استرگف
۸	تابستان آن سال	۱۴	آرزوهای بزرگ	۷۷	خاطرات مادموزال
۵	مون پلاس	۳۹	اوژنی گراند	۹۲	هانری سوم
۳	قلبی به این سپیدی	۳	مرگ در آند	۵۲	سرگذشت گراپرل
۸	بی‌رنگ و سال‌های زیارت او	۳۹	ربه‌کا	۵۵	تلماک
۳	پرنده‌گان می‌روند در پرو بمیرند	۲۳	برق نقره‌ای	۵۸	پسر کنت مونت کریستو
۱۶	صد سال تنهایی	۷	موبی دیک	۸۷	پسر پاردایان
۰	عمارت معصوم	۸	صد سال تنهایی	۶۴	فوبلاس
۵	مرگ به پمبرلی می‌آید	۹	زمان بازیافته	۱۳۳	بوسه عذرا
۲	عشق تابستانی	۱	شوهر دلخواه	۶۸	هانری چهارم
۱۷	غول مدفون	۶	برادران کارامازوف	۷۸	ژول ورن
۱۲/۳۳	میانگین دوره سوم	۲۴/۱۳	میانگین دوره دوم	۸۸	میانگین دوره اول

همان‌طور که در جدول ۳ می‌بینیم، بسامد واژگان عربی نامانوس در سه دوره ترجمه ادبی ایران رو به کاهش بوده است. این نتایج بیانگر آن است که مترجمان ادبی ایران به تدریج از شمار واژگان عربی ثقیل و نامانوس در ترجمه‌های فارسی خود کاسته‌اند و واژگان فارسی و یا عربی مانوس‌تر را به کار برده‌اند. این مسئله از طرفی مؤید تغییر هنجارهای واژگانی مترجمان نسل‌های دوم و سوم بوده است. از طرفی، به نظر می‌رسد که برخی مترجمان نسل سوم احتمالاً در رپرتوای زبانی خود واژگان عربی کمتری در مقایسه با دو نسل گذشته داشته‌اند.

نتایج این پژوهش با یافته‌های غفاری (۱۳۷۸) هم‌خوانی ندارد. وی با بررسی پدیده‌های قرضی زبان فارسی از مشروطه تاکنون دریافته بود که ترجمه در یک قرن اخیر موجب ورود واژگان مطرود عربی به زبان فارسی شده است. البته در پژوهش غفاری بسامد واژگان عربی در ترجمه‌های فارسی مورد نظر نبوده است. نمونه‌هایی از واژگان عربی ترجمه‌های سه دوره در ادامه آمده است:

پیکره نخست

چیزی به من ننویس زیرا که خطت لایقر و اسباب زحمت من است (مادمورال دو مانت پانسیه، ص. ۱۶).

دید مردی قصیرالقامه لاغر و گندمگون با وقار تمام وارد گشت (حیات فوبلاس، ص. ۱۱).

رییس سابق با آن دو نفر معاونین در طرف یمین و یسار و خلف او با کمال ادب ایستادند (پسر پاردایان، ص. ۵).

پیکره دوم

اسمی که به نظرش باشکوه و آهنگین آمد و از آن مستفاد می‌شد که حیوان ابتدا چه بوده و اینک چه شده (دن کیشوت، ص. ۱۸).

معلوم شد آن خبط‌های جزئی چند ماه اخیر ناشی از مسامحه در احاله و ظایف کارکنان زیردستم بوده است (بازمانده روز، ص. ۲۰).

داشتن نفوذ در میان متنفذان و اعیان سرمایه‌ای است که باید در حفظ آن بسیار کوشا بود (جنگ و صلح، ص. ۴۶).

پیکره سوم

هیجان رو به تزایدی از آنچه پیش‌رو داشت وجودش را فراگرفت (نماد گمشده، ص. ۱۴).

من معتقدم که یکی از بردبارترین ابنا بشر هستم (داستان‌های شرلوک هولمز، ص. ۳).

این کتاب را به انضمام نتایجی که از حساب‌ها و آزمایش‌های خود کسب کرده بود برای مقام‌های حکومت به مرکز فرستاد (صد سال تنهایی، ص. ۸).

۴.۴. گرده برداری نحوی

در این پژوهش بسامد گرده برداری نحوی در آثار مترجمان ادبی سه دوره بررسی شد. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. بسامد گرده برداری نحوی در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

بسامد گرده برداری نحوی	آثار دوره سوم	بسامد گرده برداری نحوی	آثار دوره دوم	بسامد گرده برداری نحوی	آثار دوره نخست
۱۴	نماد گمشده	۴	دن کیشوت	۴	تیره بختان
۲۴	اما	۲	بازمانده روز	۱۶	سه تفنگدار
۱۷	شرلوک هولمز	۵	طاعون	۰	ژیل پلاس
۲	ظلمت در نیمروز	۴۱	جنگ و صلح	۱	حاجی بابای اصفهانی
۱۴	اومون را	۶	خانواده تیبو	۶	میشل استرگف
۳۰	تابستان آن سال	۷	آرزوهای بزرگ	۰	خاطرات مادموزال
۳۱	مون پلاس	۱۳	اوژنی گراند	۰	هانری سوم
۲۷	قلبی به این سپیدی	۱	مرگ در آند	۳	سرگذشت گراپرل
۶	بی رنگ و سال‌های زیارت او	۶	ریه‌کا	۳	تلماک
۵	پرندگان می‌روند در پرو بمیرند	۱۸	برق نقره‌ای	۰	پسر کنت مونت کریستو
۳۱	صد سال تنهایی	۳۴	مویی دیک	۱۱	پسر پارادایان
۱۶	عمارت معصوم	۳	صد سال تنهایی	۷	فوبلاس
۲۹	مرگ به پمبرلی می‌آید	۸	زمان بازیافته	۱۶	بوسه عذرا
۴۵	عشق تابستانی	۶	شوهر دلخواه	۱۲	هانری چهارم
۳۴	غول مدفون	۱۷	برادران کارامازوف	۱۷	ژول ورن
۲۱/۶۶	میانگین دوره سوم	۱۱/۴	میانگین دوره دوم	۶/۰۴	میانگین دوره اول

نتایج ارائه شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین بسامد گرت‌برداری نحوی در آثار دوره نخست ۶ مورد در هر اثر بوده است که نشان می‌دهد مترجمان دوره اول کمتر تحت تأثیر ساختار دستوری متن اصلی بوده‌اند. این میانگین در دوره دوم قدری بیشتر شده است و در دوره سوم با جهشی چشمگیر به رقم ۲۱/۶۶ مورد در هر اثر رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد که مترجمان دوره سوم گرایش بیشتری به گرت‌برداری نحوی داشته‌اند که این گرایش احتمالاً ناشی از ناآشنایی این مترجمان با ساختارهای معادل در زبان فارسی بوده است.

یافته‌های این پژوهش تأییدکننده نگرانی است که نجفی (۱۳۶۱، ص. ۱۳) سال‌ها پیش از این ابراز کرده بود. وی گفته بود که بر اثر گرت‌برداری نحوی «حروف اضافه فارسی به جای یکدیگر به کار می‌روند و مفعول‌های بیواسطه و باواسطه در هم می‌آمیزند و جای فعل و فاعل و مفعول عوض می‌شود که بیم آن می‌رود به نامفهوم شدن زبان بینجامد». پس از این هشدار، همچنان بر شمار موارد گرت‌برداری نحوی در ترجمه‌های فارسی مترجمان نسل سوم افزوده شده است.

نمونه‌هایی از گرت‌برداری‌های نحوی ترجمه‌های بررسی شده در ادامه آمده است:

پیکره اول

بقسمی در هیجان بود که گویی دشمنی بر وی تاخته (سه تفنگدار، ص. ۴).
از قشون روس که عبارت بود از دو هزار نفر که داخل در میان دو دسته از دشمن شده بودند اکنون بیشتر از چند نفر سرباز باقی نمانده بود (سترگف، ص. ۲).
و شاه حالیه ما جوان بلکه طفل است و آن چه از او ناشی می‌شود من غیر اراده و بدون غور و تدقیق است (مادموزال دو مانت پانسیه، ص. ۷).

پیکره دوم

سپس سری به تهدید تکان داد و گفت: «لعنت به من آگه نتونم بخورمشون، و آگه حالا هم تقریباً خیال این کار را نداشته باشم» (آرزوهای بزرگ، ص. ۱۹)

فاجعه به قدری غیر معمول و کامل بوده و برای عده بسیار زیادی از مردم به اندازه‌ای اهمیت شخصی داشته است که حالا ما دچار وفور حدس و گمان و فرضیه پردازی شده‌ایم (برق نقره‌ای، ص. ۱۶۱).

اگر در نظر اول که به موجود اجنبی مانند کویوکوئک که در میان مردم مؤدب شهر متمدنی در گردش بود کردم سخت متعجب شدم همین که به اول گردش بامدادی خود در کوچه‌های نیوبدفورد پرداختم آن تعجب از یادم رفت (موبی دیک، ص. ۴۳).

پیکره سوم

دلواپسی که هیچگاه شدید نبود و بیش از آنکه از این اضطراب نشات بگیرد که می‌تواند توقعات کارفرمای آتی‌اش را برآورده‌اند در این اضطراب ریشه داشت که آیا آن کارفرما توقعات او را برآورده می‌کند یا خیر (عمارت معصوم، ص. ۴).

درگاه خیلی از اتاق‌های هزارتو صرفاً تاقی‌هایی ساده بودند و به چشم روستاییان این بی درو پیکری مزاحم فضای خصوصی‌شان نبود (غول مدفون، ص. ۱۳).
تو با دخالت خودت ممکن است نه تنها خیری به آنها نرسانی بلکه حتی به خودت هم ضرر بزنی (اما، ص. ۲۰).

۴. ۵. تنوع افعال ناقل

در این پژوهش بسامد و نوع افعال ناقل در آثار مترجمان ادبی سه دوره بررسی شد. نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. بسامد و نوع افعال ناقل در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	فعال ناقل با گفت	فعال ناقل بدون گفت	آثار دوره دوم	فعال ناقل با گفت	فعال ناقل بدون گفت	آثار دوره سوم	فعال ناقل با گفت	فعال ناقل بدون گفت
تیره‌بختان	۴۶	۴	دن کیشوت	۱۳	۸	نماد گمشده	۲۲	۴۴
سه تفنگدار	۳۵	۴	بازمانده روز	۱	۸	اما	۱۳	۰
ژیل بلاس	۱۵	۱	طاعون	۶۴	۱۴	شرلوک هولمز	۳۱	۴

ادامه جدول ۵

آثار دوره نخست	فعل ناقل با گفت	فعل ناقل بدون گفت	آثار دوره دوم	فعل ناقل با گفت	فعل ناقل بدون گفت	آثار دوره سوم	فعل ناقل با گفت	فعل ناقل بدون گفت
حاجی بابای اصفهانی	۲۰	۰	جنگ و صلح	۱۰۱	۴۰	ظلمت در نیمروز	۳۹	۳۲
میشل استرگف	۱۳	۱۰	خانواده تیپو	۳۹	۳۲	اومون را	۲۴	۸
خاطرات مادموزال	۷	۸	آرزوهای بزرگ	۵۱	۲۱	تابستان آن سال	۶۹	۳۸
هانری سوم	۶۴	۶	اوژنی گرانده	۷	۲	مون پلاس	۷	۴
سرگذشت گراپرل	۳۱	۰	مرگ در آند	۳۱	۳۹	قلبی به این سپیدی	۱۲	۷
تلماک	۱۹	۳	ربه‌کا	۸۱	۳۹	بی‌رنگ و سال‌های زیارت او	۶	۹
پسر کنت مونت کریستو	۱۳۱	۳	برق نقره‌ای	۵۰	۱۱	پرندگان می‌روند در پرو بمیرند	۲۵	۱۱
پسر پارداپان	۷۳	۱	موبی دیک	۲۳	۱۱	صد سال تنهایی	۲۸	۱۳
فوبلاس	۲۴	۵	صد سال تنهایی	۳۵	۱۱	عمارت معصوم	۳	۲
بوسه عذرا	۵۵	۳	زمان باز یافته	۲۰	۷	مرگ به پمبرلی می‌آید	۳	۰
هانری چهارم	۱۰۱	۵	شوهر دلخواه	۴۱	۲۲	عشق تابستانی	۲۷	۱۴

ادامه جدول ۵

آثار دوره نخست	فعل ناقل با گفت	فعل ناقل بدون گفت	آثار دوره سوم	فعل ناقل بدون گفت	فعل ناقل با گفت	آثار دوره دوم	فعل ناقل بدون گفت	فعل ناقل با گفت
ژول ورن	۱۰۳	۳	غول مدفون	۳	۳	برادران کارامازوف	۳	۲
میانگین دوره اول	۴۹/۱۳	۳/۷۳	میانگین دوره سوم	۱۷/۸۶	۳۷/۳۳	میانگین دوره دوم	۳/۷۳	۱۲/۵۳

همان طور که در جدول ۵ می‌بینیم، بسامد فعل ناقل «گفت» در دوره‌های دوم و سوم به تدریج کاهش یافته است (۳۷/۳۳ و ۲۱/۶۶) و مترجمان احتمالاً تحت تأثیر تنوع بالای افعال ناقل در متون اصلی به کاربرد افعال ناقل غیر «گفت» گرایش یافته‌اند. تنوع افعال ناقل غیر «گفت» نیز به تدریج افزایش یافته و از ۲۴ نوع فعل در پیکره نخست به ۶۸ و ۷۹ نوع فعل در پیکره‌های دوم و سوم رسیده است. با وجود این، بسامد افعال ناقل غیر «گفت» در دوره دوم بیشتر از دوره سوم بوده که این امر احتمالاً ناشی از دایره واژگانی گسترده‌تر مترجمان نسل دوم بوده است. نتایج این پژوهش مؤید یافته‌های پژوهش نورا (۱۳۸۹) است که نشان داده بود تنوع بالای فعل ناقل در انگلیسی و گرایش مترجمان ایرانی به لفظ‌گرایی موجب افزایش تنوع افعال ناقل غیر از «گفت» در فارسی شده است.

این پژوهش همچنین هم‌راستا با پژوهش هاشمی میناباد (۱۳۹۵) است که با بررسی رویکرد مترجمان غیرایرانی آثار فارسی پی برد این مترجمان با رویکردی تحلیلی و عالمانه توانسته‌اند طیفی از معادل‌های دقیق را برای افعال ناقل فارسی به کار ببرند. این پژوهشگر همچنین با بررسی ترجمه انگلیسی هنری فیلدینگ از رباعیات خیام نشان داد که فیلدینگ ظرافت‌های معنایی و نقش افعال ناقل رباعیات خیام را به خوبی با کاربرد معادل‌های دقیق انگلیسی نشان داده است (هاشمی میناباد، ۱۳۸۸).

نمونه‌هایی از افعال ناقل در ترجمه‌های بررسی شده را ملاحظه کنید:

پیکره نخست

پرسید آیا ممکن است همین قسم ایستاده بمانم (پسر کنت مونت کریستو، ص. ۱۰).

متعجب شده پرسید کی خوشگل بود..... خطاب می‌کرد و گفت میلادی و غش کرد (سه تفنگدار، ص. ۱۲).

با شمشیرهای اخته بر او حمله‌ور شدند و فریاد زدند باید بمیری و هلاک شوی (هانری سوم، ص. ۱۸).

پیکره دوم

کمی ساکت ماند و سپس ادامه داد: اگر وضع به این منوال ادامه یابد تا پنج سال دیگر کار به کجا خواهد کشید؟ (برادران کارامازوف، ص. ۳۶).

آنا پاولنا تکرار کرد: انقلاب و شاه‌کشی را آقا کاری بزرگ می‌داند (جنگ و صلح، ص. ۴۹).

خانم فونتنانن توضیح داد: نمی‌دانید این طفلک چقدر عصبی و حساس است (خانواده تیپو، ص. ۱۸).

پیکره سوم

مک‌گیتی موفق شد قبل از آنکه از هم جدا شوند چند کلمه‌ای در گوش زندانی زمزمه کند: این قضیه... (داستان‌های شرلوک هولمز، ص. ۱۷۹).

قرص‌تر از قبل با همان نجوای آزار دهنده و صدای اره مانندش ادامه داد: بینم واقعاً این را می‌خواهی (قلبی به این سپیدی، ص. ۴۵).

وقتی رسیدم، ویکتور اعلام کرد: دیگر موزیک‌های قدیمی نه، موزیک‌های رقصی هم نه (مون پالاس، ص. ۲۱).

۶.۴. نقطه‌ویرگول و خط تیره

در این پژوهش بسامد کاربرد نقطه‌ویرگول و خط تیره در آثار مترجمان ادبی سه دوره بررسی شد. نتایج در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. بسامد کاربرد نقطه‌ویرگول و خط تیره در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

خط تیره	نقطه ویرگول	آثار دوره سوم	خط تیره	نقطه ویرگول	آثار دوره دوم	خط تیره	نقطه ویرگول	آثار دوره نخست
۲	۳	نماد گمشده	۳	۳	دن کیشوت	۰	۰	تیره‌بختان
۰	۴۸	اما	۱۵	۴۸	بازمانده روز	۰	۰	سه تفنگدار
۱۱	۹	شرلوک هولمز	۰	۹	طاعون	۰	۰	ژیل بللس
۲	۱۱	ظلمت در نیمروز	۶	۱۱	جنگ و صلح	۰	۰	حاجی بابای اصفهانی
۱۱	۳	اومون را	۴	۳	خانواده تیبو	۰	۰	میشل استرگف
۰	۷۵	تابستان آن سال	۱۰	۱۷	آرزوهای بزرگ	۰	۰	خاطرات مادموزال
۵	۹	مون پلاس	۱۵	۰	اوژنی گراند	۰	۰	هانری سوم
۰	۱۲	قلبی به این سپیدی	۷	۳	مرگ در آند	۰	۰	سرگذشت گراپرل
۳۰	۷	بی‌رنگ و سال‌های زیارت او	۳	۴۴	ربه‌کا	۰	۰	تلماک
۱	۴۲	پرندگان می‌روند در پرو بمیرند	۳	۱۰	برق نقره‌ای	۰	۰	پسر کنت مونت کریستو
۰	۸۱	صد سال تنهایی	۱۲۰	۵	موبی دیک	۰	۰	پسر پاردایان
۶	۵	عمارت معصوم	۱۶	۳۸	صد سال تنهایی	۰	۰	فوبلاس
۳	۹	مرگ به پمبرلی می‌آید	۱۴	۱۶	زمان بازیافته	۰	۰	بوسه عذرا
۳۰	۱۶	عشق تاییستانی	۱۷	۱۰	شوهر دلخواه	۰	۰	هانری چهارم
۱۴	۲۸	غول مدفون	۸	۴	برادران کارامازوف	۰	۰	ژول ورن
۷/۶۶	۲۳/۸۶	میانگین دوره سوم	۱۶	۱۴/۷۳	میانگین دوره دوم	۰	۰	میانگین دوره اول

همان‌طور که در جدول بالا می‌بینیم، نقطه‌ویرگول و خط تیره در هیچیک از ترجمه‌های نسل اول دیده نمی‌شود. در دوره دوم میانگین کاربرد نقطه‌ویرگول در ترجمه‌ها ۱۴/۷۳ مورد بوده است و در دوره سوم به اوج خود رسیده است (میانگین ۲۳/۸۶ مورد در هر اثر). این نتایج نشان می‌دهد که هنجار کاربرد این دو نشانه تدریجاً به ترجمه‌های فارسی راه یافته است. به گفته صلحجو (۱۳۹۳) هنجار کاربرد علایم نگارشی در فارسی با زبان‌های اروپایی متفاوت نیستند. بنابراین، می‌توان گفت که سیر افزایشی کاربرد دو نشانه نگارشی نقطه‌ویرگول و خط تیره در ترجمه‌های فارسی تا حدود زیادی متأثر از متن اصلی بوده است.

۴. ۷. واکاوی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول این پژوهش آن بود که مترجمان نسل اول گرایش به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی داشته‌اند. فرضیه دوم این پژوهش آن بود که مترجمان نسل دوم گرایش به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان مبدأ و زبان فارسی داشته‌اند. فرضیه سوم این پژوهش هم آن بود که مترجمان نسل سوم گرایش به استفاده از امکانات بالفعل زبان مبدأ داشته‌اند. در این بخش، فرضیه گفته‌شده در مورد همه متغیرهای تحقیق فعلی بررسی می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان داد که مترجمان نسل اول کمترین استفاده را از قیود توصیف‌کننده فعل ناقل داشته‌اند. دلیل این مسئله آن است که بسامد و تنوع قیود توصیف‌کننده فعل ناقل در آن دوره کمتر از دوره‌های بعدی بوده است (نورا، ۱۳۸۹). این نتایج با یافته‌های حدادیان‌مقدم (۲۰۱۴) همخوانی دارد که با بررسی ترجمه شمس‌الملوک مصاحب از رمان غرور و تعصب نشان داده بود مترجم قیود متن اصلی را با استفاده از امکانات بالفعل زبان فارسی ترجمه کرده است. در دوره دوم بسامد قیود توصیف‌کننده فعل ناقل فزونی یافته است در دوره سوم به بیشترین میزان رسیده است. مترجمان نسل سوم بیشترین استفاده را از قیود توصیف‌کننده فعل ناقل کرده‌اند و کاربرد افعال ناقل بدون قید را به حداقل رسانده‌اند. این مسئله بیانگر فاصله گرفتن مترجمان نسل سوم از قابلیت‌های فارسی و گرایش آنان به استفاده از امکانات زبان

اصلی است. به نظر می‌رسد که این گرایش تا حدود زیادی ناشی از ضعف تسلط نسل سوم مترجمان ادبی بر امکانات فارسی است. برای نمونه، رضایی (۱۳۹۷) با انجام مطالعه‌ای پرسش‌نامه‌ای به ضعف زبان فارسی دانشجویان و و برخی اساتید ترجمه در دانشگاه‌های ایران پی برد. صابونچی (۱۳۹۴) هم با واکاوی ترجمه‌های سال‌های اخیر برخی مترجمان ادبی به این نتیجه رسیده که دانش واژگانی و ساختاری این مترجمان برای ترجمه کافی نبوده است. انتخاب‌های مترجمان نسل دوم در میانه طیف قرار می‌گیرد و این مترجمان به امکانات زبانی فارسی و زبان اصلی توأم با هم پایبند بوده‌اند. مهدی سحابی یکی از مترجمان این نسل است که در مقدمه ترجمه خود از اثر کارلوس فوئتس، پایبندی توأم به زبان متن اصلی و امکانات زبان فارسی را شرط موفقیت در ترجمه دانسته است (فوئتس، ۱۳۸۳، مقدمه).

دومین هنجار بررسی شده ترکیب قید و صفت است. نتایج این تحقیق نشان داد که در دوره نخست بسامد ترکیب قید و صفت بسیار پایین و میانگین آن کمتر از یک مورد در هر اثر بررسی شده بوده است. مترجمان دوره نخست در این بخش هم به هنجارها و قابلیت‌های زبانی فارسی در زمان خود پایبند بوده‌اند. پیش از این، فرشیدورد (۱۳۸۲، ص. ۲۷۳) فهرستی بلندبالا از ترکیب قید و صفت که بر اثر ترجمه از زبان‌های غربی به فارسی راه یافته‌اند را نقل کرده است که از آن جمله می‌توان «کاملاً مستقل»، «صرفاً سیاسی»، «عمیقاً خشنود»، و «باصطلاح دمکراتیک» را نام برد. میانگین کاربرد ترکیب قید و صفت در ترجمه‌های دوره دوم و سوم به بیش از ۱۶ مورد در هر اثر رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که ساختار یادشده بر اثر نوعی گرت‌برداری مثبت به فارسی راه یافته و بخشی از امکانات نهادینه زبان فارسی شده است. پیش از این، سمیعی گیلانی (۱۳۹۶، ص. ۲۶) گفته بود که گرت‌برداری در برخی موارد به انتقال «همه وجوه معنایی» زبان مبدأ به ترجمه کمک می‌کند و بر امکانات زبان مبدأ می‌افزاید. مترجمان نسل دوم در این میان نقشی پررنگ داشته‌اند؛ زیرا کاربرد ترکیب قید و صفت در دوره دوم به اوج رسیده و پس از آن نیز تقریباً

بدون تغییر باقی مانده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که مترجمان نسل دوم کوشیده‌اند با استفاده از امکانات زبان اصلی بر قابلیت‌های فارسی بیفزایند.

سومین هنجار بررسی‌شده کاربرد واژگان نامانوس عربی است. نتایج این تحقیق نشان داد که مترجمان نسل اول بیشترین واژگان عربی را در ترجمه‌هایشان به کار برده‌اند. بدیهی است که این پدیده هرگز تحت تأثیر متن اصلی یا همان زبان‌های اروپایی نبوده است و ناشی از پیروی مترجمان از نثر فارسی عصر خود است. بسامد بالای واژگان ثقیل عربی از مشخصه‌های نثر دوره قاجار است (خاتمی و اصغری طرقی، ۱۳۹۱؛ آرامش‌پور، ۱۳۹۲). در ترجمه‌های دوره دوم بسامد واژگان نامانوس عربی بسیار کمتر شده و در دوره سوم به پایین‌ترین سطح رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که مترجمان نسل دوم هنوز تا حدودی هنجار کاربرد واژگان عربی در زبان فارسی را حفظ کرده‌اند اما مترجمان نسل سوم گرایش به استفاده از واژگان عربی نداشته‌اند. نسل دوم مترجمان ادبی ایران در دورانی فعالیت می‌کردند که بحث موافقان و مخالفان سره‌گرایی در نثر فارسی پررونق بوده است. چهره‌هایی مثل ذبیح بهروز و محمد مقدم در آن دوران هم حامی کاربرد واژگان سره فارسی بوده‌اند و هم واژه‌سازی. در این میان برخی هم در آن دوران سره‌نویسی را عملی مخرب تلقی می‌کرده‌اند (عطفی و افرازنده، ۱۳۸۹؛ رنجبران، ۱۳۹۰). این دو گرایش موجب شده تا مترجمان نسل دوم هم که حامی سنت نگارش فارسی بوده‌اند واژگان عربی را ولو کمتر از مترجمان نسل قبل به کار گیرند.

چهارمین هنجار بررسی‌شده گرتة برداری نحوی است. یافته‌های پژوهش جاری نشان داد که مترجمان نسل اول کمترین استفاده را از این روش داشته‌اند طوری که میانگین گرتة برداری نحوی در ترجمه‌های آنان حدود ۶ مورد در هر اثر بوده است. این نشان می‌دهد که مترجمان نسل اول به ساختار نحوی و قابلیت‌های ساختاری فارسی در عصر خود پایبند بوده‌اند. پیش‌تر خسروبیگی و فیضی (۱۳۹۱) با واکاوی ترجمه‌های عصر قاجار از ۱۲۱۰ تا پایان دوره ناصرالدین شاه نتیجه گرفتند که مترجمان آن عصر عمدتاً «میرزا»هایی با اشراف گسترده بر امکانات زبان فارسی

بوده‌اند و سبک ترجمه آن‌ها نزدیک به متون تألیفی عصر خود بوده است. انوار، کارشناس نسخ عصر قاجار، نیز زبان بیشتر ترجمه‌های دوره نخست را «ترجمه‌هایی دقیق» و نثر آن‌ها را «پخته و استوار» توصیف کرده است (انوار، به نقل از آذرنگ، ۱۳۹۴). این توصیف بیانگر پایبندی مترجمان این عصر به استفاده از قابلیت‌های زبان فارسی است. در دوره دوم، گرت‌برداری نحوی در ترجمه‌های فارسی فزونی یافته است. مترجمان نسل دوم با گرت‌برداری کوشیده‌اند ظرافت‌های معنایی و ساختاری متن اصلی و سبک نویسنده را به فارسی انتقال دهند. برای نمونه، خزاعی‌فر (۱۳۸۶) در توصیف ترجمه کریم امامی، از مترجمان نسل دوم، لفظ‌گرایی و گرت‌برداری‌های او را در بسیاری از موارد موجب تداخل مثبت و ورود امکانات معنایی و ساختاری متن اصلی به فارسی دانسته است. در دوره سوم، بسامد گرت‌برداری نحوی در ترجمه‌ها به اوج رسیده اما نمونه‌های زیادی از ساختارهای نامانوس در این ترجمه‌ها به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده ناآشنایی بسیاری از مترجمان نسل سوم با امکانات زبان فارسی است حال آنکه به گفته سمیعی گیلانی (۱۳۹۶، ص. ۲۶)، مترجم باید بداند که «کدام تعبیر را می‌تواند عیناً وارد زبان کند و کدام تعبیر را نمی‌تواند». بنا بر یافته‌های پژوهش جاری، مترجمان نسل دوم از امکانات هر دو زبان بهره برده‌اند حال آنکه مترجمان نسل سوم همچنان به امکانات ساختاری متن اصلی پایبند بوده‌اند.

پنجمین هنجار مورد بررسی در این پژوهش تنوع افعال ناقل است. نتایج ما نشان داد که مترجمان نسل اول بیشترین استفاده را از فعل ناقل «گفت» کرده‌اند اما میانگین بسامد افعال ناقل غیر از «گفت» در هر یک از ترجمه‌های دوره اول کمتر از ۴ مورد بوده است. این نتایج همراستا با پژوهش نورا (۱۳۸۹) است که نشان داده بود ترجمه رمان‌های مدرن موجب ورود طیفی از افعال ناقل به رمان فارسی شده است. پیش از این ترجمه‌ها، فعل «گفت» بیشترین بسامد را در میان افعال ناقل فارسی داشته است. حسینی (۱۳۸۷) هم در پژوهش خود بر روی نثر سه‌روردی به بسامد بالای فعل «گفت» پی برد که به گمان وی نتیجه ساختار دیالوگ‌وار داستان‌های کلاسیک فارسی است. یافته‌های پژوهش جاری مؤید پایبندی مترجمان دوره اول به هنجار افعال ناقل

در دوره قاجار است. در ترجمه‌های دوره دوم تنوع افعال ناقل غیر از «گفت» فزونی یافته که این تحول همگام با افزایش تحول افعال ناقل در رمان‌های تألیفی فارسی بوده است (نورا، ۱۳۸۹). به‌رغم این تحول، بسامد و تنوع افعال ناقل غیر از «گفت» در دوره سوم کاهش یافته است. این رخداد را می‌توان نتیجه افت دانش واژگانی مترجمان نسل سوم دانست. بدین ترتیب، مترجمان نسل دوم افعال ناقل جدیدی را که بر اثر ترجمه به فارسی راه یافته را به کار برده‌اند ولی مترجمان نسل سوم از این امکانات جدید ناآگاه بوده‌اند.

دو هنجار آخر پژوهش نقطه‌ویرگول و خط تیره هستند. نتایج این بخش نشان داد که دو متغیر یادشده هیچ بسامدی در ترجمه‌های دوره اول نداشته‌اند. پولاک هم در سفرنامه خود نوشته که علایم نگارشی در متون قبل از دوره ناصری متداول نبوده و به‌تدریج به متون سنگی و چاپی فارسی راه یافته است. بابازاده (۱۳۷۴) نیز در پژوهش خود بر روی متون چاپ سربی عصر قاجار به نتایج مشابهی دست یافت. بنابراین، نبود علایم نگارشی در ترجمه‌های دوره نخست به تبعیت از هنجارهای زبان فارسی در آن روزگار بوده است. در ترجمه‌های دوره دوم حضور نقطه‌ویرگول و خط تیره بسیار پررنگ است. این ویژگی تا حدود زیادی متأثر از هنجار غالب در رمان فارسی است. برای نمونه همتی، سلیمی و عابدی (۱۳۹۴) با واکاوی سبک‌شناختی یکی از رمان‌های دولت‌آبادی نشان دادند که خط تیره و ویرگول، در قالب وصف، بدل و انصراف از موضوع، بسامد بالایی در این رمان دارد. این پژوهشگران بسامد بالای دو نشانه یادشده را با شیوه روایت در رمان‌های دولت‌آبادی مرتبط دانستند. در دوره سوم کاربرد نقطه‌ویرگول نسبت به دوره دوم بیشتر شده اما بسامد خط تیره تقلیل یافته است. چندین عامل در این آمار نقش دارند که یکی از آنها سبک فردی مترجمان است. برای نمونه بسامد نقطه‌ویرگول در ترجمه بهمن فرزانه مترجم نسل دوم از صد سال تنهایی کمتر از نصف تعداد نقطه‌ویرگول در ترجمه زهره روشنفکر مترجم نسل سوم از همان رمان است. از طرفی احتمالاً هنجار کاربرد علایم نگارشی در آثار تألیفی فارسی هم بر انتخاب‌های مترجمان مؤثر بوده

است. برای مثال، یعقوبی جنبه‌سرایبی و متشلو (۱۳۹۱) نشان دادند که داستان‌نویسی پسامدرن موجب تغییری جدی در کاربرد علایم ویرایشی در رمان‌های فارسی دو دهه اخیر شده است. در مجموع می‌توان گفت که مترجمان نسل دوم و سوم هم تابع امکانات و هنجارهای کاربرد علایم نگارشی در متن اصلی بوده‌اند و هم قابلیت‌های زبان فارسی.

۵. نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش توصیف هنجارهای زبانی مترجمان ادبی ایران پس از مشروطه بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که با گذشت زمان بسامد ترکیب قید و صفت، واژگان عربی، قیود توصیف‌کننده افعال ناقل، افعال ناقل غیر از «گفت»، گره‌برداری نحوی، نقطه‌ویرگول و خط تیره بیشتر شده است. نتایج بر پایه میزان پایبندی مترجمان هر دوره به امکانات و قابلیت‌های زبان فارسی واکاوی شد.

این پژوهش همچون هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. یکی از این محدودیت‌ها عدم مقابله ترجمه‌ها با متن اصلی و عدم استفاده از پیکره متون تألیفی فارسی در دوره‌های مورد بررسی است. برای این انتخاب علل و دلایلی قابل ذکر است. نخست این که پیکره این پژوهش شامل ۴۵ اثر بود و بررسی متون اصلی و متون تألیفی فراتر از توان نویسندگان بود. دوم این که نثر ترجمه‌ای در برخی دسته‌بندی‌ها همچون دسته‌بندی امین (۱۳۸۴، ص. ۳۷-۶۱) یک نوع مستقل از متن ادبی با مشخصه‌های خاص تلقی شده است. بنابراین، ترجمه را می‌توان به‌طور مستقل مورد پژوهش قرار داد. سوم این که بسیاری از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش پیش از این موضوع بسیاری از پژوهش‌های ادبیات فارسی بوده‌اند و یافته‌های آن مطالعات در دست است. با همه این اوصاف، مقابله ترجمه‌ها با متن اصلی و متون تألیفی فارسی سودمند خواهد بود.

کتابنامه

- استکی، آ. (۱۳۸۸). *آزمون فرضیه ساده‌سازی: بررسی ویژگی‌های ساده‌سازی در متون اقتصادی ترجمه‌شده و ترجمه‌نشده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- امین، س. ح. (۱۳۸۴). *ادبیات معاصر ایران*. تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- امینی، ا.، و نیازی، ش. (۱۳۹۲). ماهیت و پیامدهای تحول معنایی واژگان عربی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۶(۲)، ۵۳-۷۶.
- آذرنگ، ع. (۱۳۹۴). *تاریخ ترجمه در ایران، از دوران باستان تا پایان عصر قاجار*. تهران: ققنوس.
- آرامش‌پور، ع. (۱۳۹۲). *بررسی سیر تحول تأثیر زبان عربی بر نظم و نثر فارسی از نیمه قرن سوم هجری تا پایان قاجاریه*. رساله دکتری. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بابازاده، ش. (۱۳۷۴). *ویژگی‌های کتابهای چاپ سربی دوره قاجار موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، تهران.
- بهزادی، م.، خزاعی‌فر، ع.، و خوش‌سلیقه، م. (۱۳۹۵). تحول افعال ناقل در متون روایی فارسی در اثر ترجمه. *زبان و ادبیات فارسی*، ۸۱، ۷-۳۲.
- پولاک، ی. ا. (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- حسینی، م. (۱۳۸۷). تأثیرپذیری‌های سهروردی از حدیقه سنایی در آفرینش داستان‌های رمزی و تفاوت مصداق پیر در نظرگاه این دو در ماجرای «دیدار با پیر». *پژوهش‌های ادبی*، ۲۲، ۳۹-۵۴.
- حیاتی آشتیانی، ک.، و شیرازی‌نژاد، س. (۱۳۹۲). میانگین طول جملات در ترجمه متون مطبوعاتی. *بوطیقا*، ۱(۳)، ۲۳-۳۴.
- خاتمی، ا.، و اصغری‌طرقی، م. (۱۳۹۱). سایه نثر قاجار بر شیوه نگارش فارسی امروز. *ادب فارسی*، ۲(۲)، ۲۱-۴۳.
- خزاعی‌فر، ع. (۱۳۸۶). نگاهی دیگر به گتسبی بزرگ. مترجم، ۴۵، ۲۹-۳۳.
- خزاعی‌فر، ع.، و فتح‌اللهی، م. (۱۳۸۹). تأثیر ترجمه رمان‌های مدرن انگلیسی بر هنجار سبکی طول جمله در رمان فارسی (موردپژوهی نُه رمان کلاسیک و مدرن). *مطالعات زبان و ترجمه*، ۱(۳)، ۳۷-۵۸.
- خسرویگی، ه.، و فیضی، م. خ. (۱۳۹۱). ترجمه در دوره قاجار (از ۱۲۱۰ ق. تا پایان دوره مظفری). *ادب فارسی*، ۲(۲)، ۱۲۵-۱۴۶.

- رضایی، ر. (۱۳۹۷). دانش فارسی در رشته مترجمی زبان انگلیسی: اهمیت، وضعیت و راهکارهای بهبود. *مطالعات ترجمه*، ۶۲، ۷-۲۰.
- رضایی، و. و رحیمی، م. (۱۳۹۲). بررسی مهجورشدگی واژگان عربی در مطبوعات زبان فارسی در سده اخیر. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۱(۲)، ۱۵-۳۰.
- رنجبران، ف. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل معیارها و عوامل سرهنویسی در زبان فارسی از مشروطه تا سال ۱۳۱۵ ه. ش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سمیعی گیلانی، ا. (۱۳۹۶). گره‌برداری، گفت‌وگو با خزاعی‌فر. مترجم، ۶۳، ۲۵-۳۱.
- صابونچی، م. (۱۳۹۴). اهمیت شناخت فرهنگ در ترجمه با استناد به چند نمونه. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۵(۲)، ۳۳۳-۳۵۱.
- صالحی، ز. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای متون سیاسی ترجمه‌شده و اصلی فارسی از لحاظ تراکم واژگان، طول جملات و ضریب تعداد کلمات متفاوت در یک متن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیخ بهایی، اصفهان.
- صلحجو، ع. (۱۳۹۳). در باب علایم سجاوندی. مترجم، ۵۴، ۳۳-۴۳.
- عطفی، علی اکبر و منیژه افرازنده (۱۳۸۹). سره‌گرایی در تاریخ ادب فارسی. *تاریخ ادبیات*، ۶۴، ۱۶۱-۱۸۸.
- غفاری، م. (۱۳۷۸). پدیده‌های قرضی در زبان فارسی (فرانسه، انگلیسی) از مشروطه تا امروز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- غمخو، ا. و خزاعی‌فرید، ع. (۱۳۹۰). مقایسه کمی سبک متن اصلی و متن ترجمه‌شده (مورد پژوهی: سه ترجمه از «پیامبر» و یک ترجمه از «غریزدگی»). *مطالعات زبان و ترجمه*، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۱۸.
- فرشیدورد، خ. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
- فونتنس، ک. (۱۳۸۳). مرگ آرتمیو کروزی. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: آگاه.
- قدیانی، س. (۱۳۹۱). بررسی همگانی‌های ترجمه در متون ترجمه‌شده از انگلیسی به فارسی در ادبیات کودک و نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، تهران.
- نجفی، ا. (۱۳۶۱). آیا زبان فارسی در خطر است؟ نشر دانش، ۱۴، ۴-۱۵.
- نورا، م. (۱۳۹۳). تحول افعال ناقل در متون روایی فارسی در اثر ترجمه. مترجم، ۲۳(۵۴)، ۷۹-۹۸.
- هاشمی میناباد، ح. (۱۳۸۸). خیام به روایت ادوارد هنری وینفیلد. معارف، ۶۷، ۸۸-۹۸.
- هاشمی میناباد، ح. (۱۳۹۵). فعل «گفتن» در ترجمه از فارسی به انگلیسی. مترجم، ۲۵(۶۰)، ۶۷-۷۳.

همتی، ش.، سلیمی، ع.، و عابدی، ح. (۱۳۹۴). سبک‌شناسی رمان آن مادیان سرخیال نوشته محمود دولت‌آبادی. *متن‌پژوهی ادبی*، ۶۴، ۱۱۱-۱۴۷.

یعقوبی جنبه‌سرایبی، پ.، و منتشلو، م. (۱۳۹۱). سهم علائم ویرایشی در داستان‌نویسی پسامدرن فارسی. *ادب‌پژوهی*، ۲۲، ۱۵۵-۱۷۱.

- Azadibougar, O. (2010). Translation historiography in the modern world: Modernization and translation into Persian. *Target*, 22(2), 298-329.
- Baker, M. (2000). Towards a methodology for investigating the style of a literary translator. *Target*, 12(2), 241-266.
- Biber, D., Conrad, S., & Leech, G. (2002). *Longman student grammar of spoken and written English*. Harlow, England: Longman.
- Haddadian-Moghaddam, E. (2014). *Literary translation in modern Iran: A sociological study*. Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Heine, B., & Tania, K. (2006). *The Changing Languages of Europe*. New York: Oxford University Press.
- Huddleston, R., & Pullum, G. K. (2002). *The Cambridge grammar of the English language*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Laviosa, S. (2002). *Corpus-based translation studies: Theory, findings, applications*. New York, NY: Rodopi.
- Leech, G., & Short, M. (2007). *Style in Fiction, A Linguistic Introduction to English Fictional Prose (Second Edition: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose)*. UK: Pearson Longman.
- Malamatidou, S. (2013). Passive voice and the language of translation: A comparable corpus-based study of modern Greek popular science articles. *Meta*, 58(2), 261-478.
- Malinová, I. (2010). *Authorial style in translation: White Teeth by Zadie Smith* (Unpublished master's thesis). Masaryk University, Brno, Czech Republic.
- Mustonen, M. (2010). *I mean like Sheila's friends are quite sort of glam and Sheila's very glamorous – A multivariable corpus study on intensifiers in British English* (Unpublished master's thesis). University of Eastern Finland, Kuopio, Finland.
- Plechackova, J. (2007). *Passive voice in translation: A corpus-based study*. (Unpublished master's thesis). Masaryk University, Brno, Czech Republic.
- Rowley-Jolivet, E. (2001). Activating the passive – A comparative study of the passive in scientific conference presentations and research articles. *Grammar and Specialized Translation*, 20(4), 38-52.
- Sharp, G. (2012). That is so feminine! An investigation of intensifiers as characteristics of female speech through the use of so and really in modern television programming. *Griffith Working Papers in Pragmatics and Intercultural Communication* 5, 14-20.

- Toury, G. (1995). *Descriptive translation studies and beyond*. Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Twan, L. T. (2010). Strategies for translating the passive structure in scientific discourse. *English Language Teaching*, 6(7), 97-107.
- Vaicenoniene, J. (2011). *Lithuanian literature in English: A corpus-based approach to the translation of author-specific neologisms* (Unpublished doctoral dissertation). Vytautas Magnus University, Kaunas, Lithuania.
- Xin, L. (2010). *An investigation on grammatical and lexical problems in the English-Chinese document translation in the United Nations* (Unpublished master's thesis). University of Queensland, Queensland, Australia.

ترجمه‌ها

- استر، پ. (۱۳۸۶). *مون پالاس*. ترجمه لیلا نصیری‌ها. تهران: افق.
- اوستین، ج. (۱۳۸۸). *اما*. ترجمه رضا رضایی. تهران: نشر نی.
- ایشی گورو، ک. (۱۳۷۵). *بازمانده روز*. ترجمه نجف دریابندری. تهران: کارنامه.
- ایشی گورو، ک. (۱۳۹۴). *غول مدفون*. ترجمه امیرمهدی حقیقت. تهران: چشمه.
- بارگاس یوسا، م. (۱۳۸۱). *مرگ در آند*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: آگه.
- بالداجی، د. (۱۳۹۴). *تابستان آن سال*. ترجمه شیرین قندهاری. تهران: آموت.
- براون، د. (۱۳۸۸). *نماد گمشده*. ترجمه شبنم سعادت. تهران: افراز.
- پارگاس یوسا، م. (۱۳۸۱). *مرگ در آند*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: آگه.
- پانسیه، د. (۱۳۱۱). *شرح حال خاطرات مادمازل*. ترجمه محمدحسن اعتمادالسلطنه.
- پروست، م. (۱۳۷۸). *زمان بازیافته*. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: مرکز.
- پروست، م. (۱۳۷۸). *زمان بازیافته*. ترجمه مهدی غبرایی. تهران: آگه.
- پلوین، و. (۱۳۹۲). *آمون را*. ترجمه پیمان خاکسار. تهران: زاوش.
- پلوین، و. (۱۳۹۲). *آمون را*. ترجمه پیمان خاکسار. تهران: زنوش.
- تالستوی، ل. (۱۳۷۷). *جنگ و صلح* (کتاب اول). ترجمه سروش حبیبی. تهران: نیلوفر.
- جویس، ک. و. (۱۳۹۳). *عشق تابستانی*. ترجمه خجسته کیهان. تهران: پارسه.
- جیمز، پ. د. (۱۳۸۹). *عمارت معصوم*. ترجمه شیوا مقالو. تهران: کتابسرای تندیس.
- جیمز، پ. د. (۱۳۹۶). *مرگ به پمبرلی می‌آید*. ترجمه فرناز تیمورازف. تهران: قطره.
- داستایفسکی، ف. (۱۳۸۷). *برادران کارامازوف* (جلد اول). ترجمه صالح حسینی. تهران: ناهید.
- دوبالزاک، ا. (۱۳۴۲). *اوژنی گراند*. ترجمه عبدالله توکل. تهران: زوار.

- دوما، ا. (۱۳۰۶). سه تفنگدار. ترجمه محمدطاهر میرزا.
- دوما، ا. (۱۳۲۳). هانری چهارم. ترجمه محمدامین دفتر.
- دوما، ا. (۱۳۲۴). هانری سوم. ترجمه سردار اسعد بختیاری.
- دوموریه، د. (۱۳۴۴). ربه‌کا، ترجمه پرویز شهباز. تهران: جامی.
- دوئل، آ. ک. (۱۳۷۸). دره وحشت. ترجمه مزده دقیقی. تهران: هرمس.
- دیکنز، چ. (۱۳۳۸). آرزوهای بزرگ. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نسل.
- رنه لوساز، آ. (۱۳۱۱). ژیل بلاس. ترجمه محمدخان کرمانشاهی. تهران: بی‌نا.
- رنولدز، ج. (بی‌تا). بوسه عذرا. ترجمه سید حسین شیرازی ابوالمعالی. تهران: بی‌نا.
- زواکو، م. (۱۳۰۶). پسر پاردايان. ترجمه میرزا حبیب آقا عین‌الملک.
- ست، و. (۱۳۸۸). شوهر دلخواه. ترجمه مهدی غبرایی. تهران: چکاوک.
- سرواتنس، م. (۱۳۳۸). دن کیشوت. ترجمه محمد قاضی. تهران: گلشن.
- علی‌بخش، م. (۱۳۰۱). ترجمه تاریخ حیات فوبلاس. تهران: بی‌نا.
- فنلن، ف. (۱۳۰۴). تلماک. ترجمه ناظم‌العلوم. تهران: بی‌نا.
- گامو، آ. (۱۳۸۶). طاعون. ترجمه رضا سیدحسینی. تهران: نیوفر.
- کانن دوئل، آ. (۱۳۷۲). برق نقره‌ای. ترجمه کریم امامی. تهران: طرح نو.
- کانن دوئل، آ. (۱۳۷۸). دره وحشت. ترجمه مزده دقیقی. تهران: هرمس.
- کستلر، آ. (۱۳۸۰). ظلمت در نیمروز. ترجمه اسدالله امرایی. تهران: نقش و نگار.
- گارسیا مارکز، گ. (۱۳۶۷). صد سال تنهایی. ترجمه بهمن فرزانه. استکهلم: آرش.
- گاری، ر. (۱۳۹۳). پرندگان می‌روند در پرو بمیرند. ترجمه سمیه نوروزی. تهران: چشمه.
- گراپرل، (۱۳۱۰). سرگذشت گراپرل. ترجمه منوچهر بن عمادالدوله. تهران: بی‌نا.
- لومینا، ژ. (۱۳۱۵). پسر کنت مونت کریستو. ترجمه خلیل خان تقفی (اعلم‌الدوله).
- مارتن دوگار، ر. (۱۳۷۹). خانواده تیوو. ترجمه ابوالحسن نجفی. تهران: نیلوفر.
- ماریاس، خ. (۱۳۹۳). قلبی به این سپیدی. ترجمه مهسا ملک‌مرزبان. تهران: چشمه.
- ملویل، ه. (۱۳۴۴). موبی دیک یا وال سفید. ترجمه پرویز داریوش. تهران: امیرکبیر.
- موراکامی، ه. (۱۳۹۴). تسوکورو تازاکی بی‌رنگ و سال‌های زیارت او. تهران: ققنوس.
- موریه، ج. (۱۳۱۲). سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی. ترجمه میرزا حبیب اصفهانی. تهران: بی‌نا.
- هوگو، و. (۱۳۰۳). تیره‌بختان. ترجمه یوسف اعتصام‌الملک. تهران: بی‌نا.

- ورن، ژ. (۱۳۱۳). *میشل استرگف*. ترجمه اوانس خان. تهران: بی‌نا.
- ورن، ژ. (۱۳۱۶). *سفر هشتادروزه دور دنیا*. ترجمه میرزا حسین خان ذکاءالملک. تهران: بی‌نا.

